



دانشگاه بیرجند

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان‌نامه جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

**جریان سیال ذهن در داستان‌های کوتاه شهریار مندنی‌پور**

استاد راهنما:

دکتر مرادعلی واعظی

استاد مشاور:

دکتر زینب نوروزی

نگارش:

خدیجه نورمحمدی

زمستان ۱۳۸۹

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

کلیه‌ی حقوق اعم از تکثیر، چاپ، نسخه‌برداری، اقتباس و ... این رساله متعلق به دانشگاه بیرجند است و هرگونه سوء استفاده از آن پیگرد قانونی دارد. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقدیم به:

دو واژه‌ی مقدس،

پدر و مادر،

نمونه‌های صبر و

بردباری

و خواهران و برادران عزیزم

## چکیده:

جریان سیال ذهن شیوه‌ای از روایت است که در آن لایه‌های پیش از گفتار و عمق جریان ذهن یک شخصیت که ترکیبی است از ادراکات حسی و اندیشه‌های آگاه و نیمه‌آگاه و خاطرات و احساسات و تداعی معانی، بدون توالی منطقی بیان می‌شود. پژوهش حاضر تحلیلی است بر آثار نویسندگان و مترجم معاصر شهریار مندنی‌پور. نگارنده در این پایان‌نامه سعی داشته است داستان‌های کوتاه این نویسنده را از نظر وجود شیوه‌ی جریان سیال ذهن مورد بررسی قرار دهد. در نقد آثار، توالی زمانی خلق آن‌ها و نیز تحلیل عملی و عینی داستان‌ها به صورت فنی و مبتنی بر اصول داستان‌نویسی جریان سیال ذهن مد نظر بوده است. داستان جریان سیال ذهن، شاخصه‌های زبانی و ساختاری ویژه‌ای دارد. آثار مندنی‌پور از حیث زبان، بیشتر به سبک مذکور نزدیک است. در آثار داستانی مندنی‌پور با گونه‌ی دیگری از جریان سیال ذهن رو به رو هستیم. مندنی‌پور نویسنده‌ای صاحب سبک است. به گونه‌ای که نه کاملاً پیرو داستان‌نویسی رئالیستی است و نه به‌طور کامل شیوه‌ی جریان سیال ذهن در آثارش هویداست. این تفاوت در سبک و حتی شیوه‌ی جریان سیال ذهن آثار مندنی‌پور با دیگر آثار جریان سیال ذهن، به دلیل نگاه خاص روان‌شناسانه‌ی او و متأثر از جریان‌های اجتماعی است.

شخصیت‌پردازی، زمان و مکان در داستان‌های او تا حد زیادی تحت تأثیر جریان سیال ذهن قرار گرفته‌اند. در این پژوهش خواننده ابتدا مختصری از پیشینه‌ی زندگی و آثار مندنی‌پور و نویسندگان برتر جریان سیال ذهن را مرور کرده، سپس نقد آثار را مورد مطالعه قرار داده و در پایان نیز به نتیجه و برداشت نهایی دست خواهد یافت.

**کلیدواژه‌ها:** شهریار مندنی‌پور، داستان کوتاه، نقد، جریان سیال ذهن.

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱۰
ضرورت تحقیق.....	۱۰
اهداف تحقیق .....	۱۰
سؤالات اساسی تحقیق .....	۱۱
فرضیه‌های تحقیق.....	۱۱
روش کار.....	۱۲
نقد منابع .....	۱۳
فصل اول: کلیات .....	۱۵
۱-۱- تعریف جریان سیال ذهن .....	۱۵
۲-۱- مهم‌ترین نویسندگان جریان سیال ذهن.....	۲۱
۱-۲-۱- نگاهی به آثار برخی نویسندگان برجسته‌ی خارجی درباره‌ی جریان سیال ذهن ..	۲۳
۲-۲-۱- نگاهی به آثار برخی نویسندگان برجسته‌ی داخلی درباره‌ی جریان سیال ذهن ....	۲۹
۳-۱- عناصر سازنده‌ی جریان سیال ذهن.....	۳۴
۱-۳-۱- زبان .....	۳۴
۱-۳-۱-۱- تک‌گویی درونی و انواع آن.....	۳۵
۱-۳-۱-۱-۱- تک‌گویی درونی مستقیم.....	۳۷
۱-۳-۱-۱-۲- تک‌گویی درونی غیرمستقیم .....	۴۱
۱-۳-۱-۲-۱- فرق تک‌گویی درونی و تک‌گویی نمایشی .....	۴۲
۱-۳-۱-۳-۱- حدیث نفس.....	۴۲

- ۴۵ ..... ۴-۱-۳-۱- فرق و شباهت تک‌گویی و حدیث نفس
- ۴۵ ..... ۵-۱-۳-۱- دیدگاه دانای کل
- ۵۱ ..... ۶-۱-۳-۱- تداعی آزاد
- ۵۲ ..... ۷-۱-۳-۱- ابهام
- ۵۲ ..... ۸-۱-۳-۱- شعرگونگی
- ۵۳ ..... ۹-۱-۳-۱- بازی‌های زبانی
- ۵۵ ..... ۱۰-۱-۳-۱- شیوه‌های نگارش و نشانه‌گذاری
- ۵۵ ..... ۲-۳-۱- زمان
- ۶۱ ..... ۳-۳-۱- طرح در داستان‌های جریان سیال ذهن
- ۶۰ ..... ۴-۳-۱- اسطوره
- ۶۱ ..... ۵-۳-۱- بینامتنیت
- ۶۲ ..... ۴-۱- مکاتب و جریان‌های تأثیرگذار در جریان سیال ذهن
- ۶۳ ..... ۱-۴-۱- روماتیسم
- ۶۳ ..... ۲-۴-۱- سمبولیسم
- ۶۴ ..... ۳-۴-۱- مدرنیسم
- ۶۵ ..... ۴-۴-۱- سوررئالیسم
- ۶۷ ..... ۵-۴-۱- امپرسیونیسم
- ۶۸ ..... ۶-۴-۱- اکسپرسیونیسم
- ۶۸ ..... ۷-۴-۱- پست‌مدرنیسم
- ۷۱ ..... ۵-۱- سابقه‌ی تحلیل روانی و پیدایش رمان‌های جریان سیال ذهن
- ۷۳ ..... ۶-۱- رمان روان‌شناختی و رمان جریان سیال ذهن

- ۷۴-۱ روان‌شناسان تأثیرگذار بر جریان سیال ذهن..... ۷۴
- ۷۵-۱-۸- نگاه‌ی گذرا به زندگی و آثار شهریار مندنی پور..... ۷۵
- فصل دوم: بررسی مجموعه داستان‌ها..... ۷۹
- ۱-۲-۱- مجموعه‌ی سایه‌های غار..... ۷۹
- ۱-۲-۱-۱- اگر فاخته را نکشته باشی..... ۷۹
- ۲-۲- مجموعه‌ی هشتمین روز زمین..... ۸۵
- ۱-۲-۲- هشتمین روز زمین..... ۸۵
- ۲-۲-۲- هنگام..... ۸۹
- ۳-۲- مجموعه‌ی مومیا و غسل..... ۱۰۴
- ۱-۳-۲- بشکن دندان سنگی را..... ۱۰۴
- ۲-۳-۲- نارنج‌های شریب شیراز..... ۱۰۶
- ۳-۳-۲- باران اندوهان..... ۱۱۱
- ۴-۳-۲- مردمک‌های خاک..... ۱۲۰
- ۵-۳-۲- دره‌ی مهرگیا..... ۱۳۲
- ۴-۲- مجموعه‌ی ماه نیمروز..... ۱۴۵
- ۱-۴-۲- رنگ آتش نیمروزی..... ۱۴۵
- ۲-۴-۲- ماه نیمروز..... ۱۴۹
- ۳-۴-۲- مه جنگل‌های بلوط..... ۱۵۷



۱۶۴	.....	۵-۲- مجموعه‌ی شرق بنفشه
۱۶۱	.....	۱-۵-۲- شرق بنفشه
۱۷۴	.....	۲-۵-۲- شام سرو و آتش
۱۷۹	.....	۳-۵-۲- سالومه
۱۸۴	.....	۴-۵-۲- ناربانو
۱۹۲	.....	۶-۲- مجموعه‌ی آبی ماورای بحار
۱۹۲	.....	۱-۶-۲- صنوبر و زن خفته
۱۹۹	.....	۲-۶-۲- ارباب کلمات
۲۰۴	.....	فصل سوم: نتیجه گیری
۲۱۳	.....	منابع
۲۲۲	.....	چکیده انگلیسی

## مقدمه:

یکی از انواع ادبی (genres) که پدیده‌ی تازه‌ای در ادبیات به شمار می‌آید، ادبیات داستانی به شیوه‌ی نوین است؛ شیوه‌ای برگرفته از سبک نویسندگان معاصر غرب که الگوی رایج را از آن‌ها گرفته است.

داستان‌نویسی معاصر اولین نشانه‌های حیات خود را در آثار و نوشته‌های محمدعلی جمال‌زاده یافته است و تا به امروز نویسندگان فراوانی در این وادی هنرآزمایی کرده‌اند. همزمان با تحولات تاریخی و فرهنگی، مضمون‌های اساسی و شیوه‌ی ساخت و پرداخت رمان‌ها و داستان‌ها به مرور تغییر کرده و هنرمندان متأثر از تاریخ معاصر کشور در حوزه‌های مختلف قلم‌فرسایی نموده‌اند. در این که آثار این نویسندگان تا چه درجه از اعتبار هنری بهره‌مندند و به چه میزان توانسته‌اند به جایگاه ویژه‌ای در حوزه‌ی ادبیات معاصر دست یابند، به عواملی چون اقبال عمومی، تأثیر آن‌ها در جامعه و نوآوری در جریان داستان‌نویسی و اظهارات صاحب‌نظران و منتقدان بستگی دارد.

## ضرورت تحقیق:

شناخت و آشنایی با شیوه‌ی داستان‌نویسی مندنی‌پور و جریان سیال ذهن در داستان‌های کوتاه وی، به عنوان یک نظریه‌پرداز در داستان‌نویسی نوین و پدیدآورنده‌ی داستان‌های مدرن که راهی در جهت فهم بهتر و عمیق‌تر این متون می‌باشد، از ضروری‌ترین اهداف این رساله است.

## اهداف تحقیق:

آشنایی با جریان سیال ذهن و نقد داستان‌هایی که با این شیوه نوشته می‌شوند، تحقیق در تاریخچه‌ی پیدایش آن در غرب و ایران، بررسی جریان سیال ذهن، ذکر برجستگی‌ها و چگونگی پیاده کردن آن، توجه به ساختار داستان‌ها و چگونگی رسیدن به محتوا از طریق فرم و ذکر نقاط قوت و ضعف و همچنین هماهنگی فرم و محتوا به شیوه جریان سیال ذهن در داستان‌های کوتاه مندنی‌پور،

به‌عنوان یک نویسنده و نظریه‌پرداز در زمینه‌ی داستان‌نویسی نوین، از اهداف این پایان‌نامه است. همچنین لزوم رویکرد و توجه بیشتر دانشجویان ادبیات فارسی به سبک نویسندگی، به‌ویژه شیوه‌ی داستان‌نویسی او که هنوز مهجور مانده است. همچنین توجه به تجربه‌گرایی و خلاق بودن مندنی‌پور و برجستگی فرم و زبان در داستان‌های او می‌باشد. دیرفهم بودن آثار او و دشواری ارتباط مخاطب با شیوه‌ی بیان و پردازش ساختاری آثار او نیز در نگارنده ایجاد انگیزه کرد تا به پژوهش در این موضوع بپردازد.

### سوالات اساسی تحقیق:

- مشخصه‌های اصلی «جریان سیال ذهن» در آثار مندنی‌پور چیست؟
- کدام یک از مشخصه‌های «جریان سیال ذهن» در آثار مندنی‌پور قوی‌تر است؟
- توجه مندنی‌پور به فرم و وجود «جریان سیال ذهن» در آثارش، باعث فرم‌گرایی محض شده و او را از توجه به محتوا بازداشته است یا خیر؟

### فرضیه‌های تحقیق:

- به‌هم‌ریختگی ساختار نحوی جملات، وجود استعارات و نمادها، مبهم بودن فضا و زمان، شاعرانه شدن زبان، استفاده از انواع تک‌گویی‌های درونی و حدیث نفس‌ها و ... از جمله ویژگی‌های جریان سیال ذهن در آثار مندنی‌پور است.
- استفاده از استعارات و نمادها و تک‌گویی‌های درونی در داستان‌های مندنی‌پور، نسبت به دیگر ویژگی‌های جریان سیال ذهن، رنگ بارزتری دارند.
- به‌نظر می‌رسد که توجه زیاد مندنی‌پور به فرم، به خصوص در داستان‌های کوتاه، او را از توجه به محتوا باز نداشتند.

از مشخصه‌های جریان سیال ذهن در آثار مندنی‌پور می‌توان به انواع تک‌گویی درونی، هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی، ابهام، شعرگونگی، حدیث نفس، تداعی و غیره از جمله ویژگی‌های جریان سیال ذهن در آثار مندنی‌پور است. به دلیل اهمیت فراوان زبان در نزد نویسندگان، ویژگی‌های زبانی بیش از دیگر مشخصه‌های جریان سیال ذهن در آثار او به چشم می‌خورد که باعث وجود جریان سیال ذهن در آثار اوست. مندنی‌پور به محتوا نیز به اندازه‌ی فرم داستان اهمیت قایل است. زبان در نظر او، راهی برای رسیدن به محتوا است. جریان سیال ذهن بیشتر خاص رمان است. در داستان‌های کوتاه مندنی‌پور، به دلیل تلفیق شخصیت‌پردازی موجود در رمان و حادثه‌جویی در داستان کوتاه، جریان سیال ذهن نمودی بارز دارد.

### روش کار:

شیوه‌ی اصلی تحقیق، کتاب‌خانه‌ای است که در اولین مرحله از تحقیق، کتاب‌های نظری درباره‌ی داستان‌نویسی و نقد داستان، مطالعه و فیش‌برداری شده است. در مرحله‌ی دوم از تحقیق حاضر، مجموعه‌های داستانی نویسندگان مورد مطالعه قرار گرفته است. یادداشت‌برداری از آثار داستانی، بر مبنای عناصر سازنده‌ی جریان سیال ذهن همچون تک‌گویی‌های درونی مستقیم و غیرمستقیم، حدیث نفس، راوی دانای کل محدود، اسطوره و نماد، بازی‌های زبانی و غیره انجام شده، اما ترتیبی که در نقد و نگارش تحلیل‌ها رعایت گردیده، ترتیب زمانی است؛ یعنی بر اساس تاریخی که به رشته تحریر درآمده‌اند، مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته‌اند.

ابتدا عناصر داستان جریان سیال ذهن تعریف و تبیین شدند. سپس داستان‌های مندنی‌پور براساس آن معیارها به صورت فنی و دقیق تحلیل شدند. یعنی اصول جریان سیال ذهن بر داستان‌ها منطبق بود.

## نقد منابع:

در باب نقد و بررسی آثار مندنی‌پور کتاب مستقلی که به بررسی آثارش پردازد، نیافتیم. تنها در چند کتاب مطالب پراکنده‌ای به صورت نقد و گفتگو می‌توان یافت. نظیر صد سال داستان‌نویسی از حسن میرعبدینی که کتاب ارزشمندی است و به پاره‌ای از آثار از جمله «سایه‌های غار»، «هشتمین روز زمین» و چند داستان دیگر اشارات قابل توجهی دارد. اما از آنجا که این کتاب تا سال ۱۳۷۴ را مورد بررسی قرار داده است و اکثر داستان‌های مندنی‌پور بعد از سال ۱۳۷۵ منتشر شده، در این زمینه اثر جامع و مانعی نیست. کتاب «نسل سوم داستان‌نویسی» از یوسف علیخانی نیز، شامل گفتگوی مؤلف با نویسنده در حوزه‌ی ادبیات داستانی و اشاره به چند داستان نویسنده است.

شیوه‌ی جریان سیال ذهن و نقد چند رمان از جمله رمان دل دلدادگی مندنی‌پور، تاکنون در کتاب داستان‌نویسی جریان سیال ذهن از حسین بیات و نیز کتاب پرده‌ی پندار از محمدعلی محمودی انجام شده و در آن‌ها به چگونگی شکل‌گیری این جریان در داستان‌نویسی غرب و ایران، همچنین تحلیل چند اثر از جمله رمان دل دلدادگی شه‌ریار مندنی‌پور پرداخته شده است. پایان‌نامه-ای نیز با عنوان «شخصیت و شخصیت‌پرازی در داستان‌های کوتاه مندنی‌پور» در دانشگاه الزهراء، همچنین رساله‌هایی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، دانشگاه محقق اردبیلی و در دانشگاه آزاد شهرکرد با نام «نقد و بررسی آثار شه‌ریار مندنی‌پور»، «نقد و تحلیل رمان دل دلدادگی مندنی‌پور» و «نقد و بررسی آثار شه‌ریار مندنی‌پور»، دفاع شده است. بررسی شیوه‌ی جریان سیال ذهن بر روی داستان‌های کوتاه مندنی‌پور تاکنون انجام نشده است.

در انجام این پایان‌نامه، خود را مدیون راهنمایی‌های بی‌دریغ استاد بزرگوار و فرهیخته‌ام جناب آقای دکتر مرادعلی واعظی می‌دانم. همچنین استاد فرزانه و ارجمندم سرکار خانم دکتر زینب نوروزی که با نظرات خود و اصلاحات فراوان نگارنده را رهین منت خود فرموده‌اند. تشکر می‌کنم از اساتید محترم، جناب آقای دکتر علی اکبر سام‌خانی و جناب آقای دکتر اکبر شامیان که داوری این رساله را پذیرفته‌اند. در ضمن سپاس‌گزاری و تشکر صمیمانه‌ی خود را از اساتید محترمی دارم که در دوران

تحصیل از فردفردشان علم و هنر آموختم. همچنین بر خود لازم می‌دانم مراتب سپاس‌گزاری بی‌کران خود را از تمام دوستان و عزیزان از جمله خانم فاطمه نظری، خانم زلیخا حاجی‌پور و خانم آمنه شیبانی که در انجام این رساله مرا یاری داده‌اند، اعلام دارم.

## فصل اول: کلیات

### ۱-۱- تعریف جریان سیال ذهن:

جریان سیال ذهن شیوه‌ای از روایت است که تعبیر مختلفی از آن شده است. انوشه در دانشنامه‌ی ادب فارسی، آن را شیوه‌ای روایتی در ادبیات غیرنمایشی می‌داند که به‌موجب آن «لایه‌های پیش از گفتار و عمق جریان ذهن یک شخصیت که ترکیبی است از ادراکات حسی و اندیشه‌های آگاه و نیمه-آگاه و خاطرات و احساسات و تداعی معانی، بدون توالی منطقی بیان می‌شود» (۱۳۷۵: ۷۵). جریان سیال ذهن در فرهنگ کادن همان تک‌گویی درونی دانسته شده است. مقدادی، دو زاویه‌ی دید دیگر نیز برای آن قایل شده که عبارت است از راوی دانای کل و خودگویی. البته راوی دانای کل در جریان سیال ذهن، با نوع سنتی آن تفاوت دارد و محدود به ذهن شخصیت‌هاست که توضیح آن بعد خواهد آمد. بنا به گفته‌ی تسلیمی نیز، جریان سیال ذهن با یادایدها و تودرتویی روایات، روایت آدم‌هایی است هذیانی، مجنون، خواب‌آلوده و بیمار که هر چه بیشتر به داستان و رمان جنبه‌ی روان‌شناختی می‌دهد و ناخودآگاه شخصیت‌ها را آشکار می‌کند (۱۳۸۳: ۲۲۳). فلکی، جریان سیال ذهن را پرواز دانسته است؛ به‌گونه‌ای که ناخودآگاه و خودآگاه، زمان حال و گذشته و آینده، حوادث، خاطره‌ها و احساسات درهم می‌شود و به همین دلیل «یافتن رابطه‌ها در آن دشوار است. البته کسی که ذهنش چنین بازی-هایی دارد، تصور می‌کند که زمان‌ها و زبان سرجایشان هستند درحالی‌که همه چیز در هم و بر هم

است» (۱۳۸۲: ۴۶). یلفانی، شیوه یا شگردی را که در فرهنگ داستان‌نویسی ما از آن با اصطلاح «جریان سیال ذهن» نام برده می‌شود، چندان هم دقیق و رسا نمی‌داند، به این دلیل ساده که «جریان ذهن» همیشه هم «سیال» نیست، و به همین دلیل شاید اصطلاح «ذهن نگاری» مناسب‌تر باشد. (چشم‌انداز ۱۳۸۱).

بنابر تعریف دیگری که کامل‌تر از دیگر تعاریف به نظر می‌آید، جریان سیال ذهن «روش روایی مدرنی است که در آن، تنها دخالت نویسنده یا راوی داستان در این فرایند، جهت ارائه توضیحات و توصیفات ماجرای داستان است. اما در همین حالات نویسنده بسیار مایل است این گونه به مخاطب القا کند که همه‌ی این محتویات ذهنی به‌طور مستقیم و سریع از ذهن شخصیت داستانی سرچشمه گرفته است. برای بیان این محتویات ذهنی همواره از الفاظ و واژگان صریح و مستقیم یا از الفاظ صوری و سمبلیک استفاده می‌شود. همین ارائه‌ی مستقیم و سریع ذهنیات و ارائه‌ی سطوح مختلف آگاهی عامل متصف شدن داستان‌های سیلان ذهن به عدم سازماندهی منطقی و قواعد دستوری شده است» (بیات، ۱۳۸۳: ۱۱). در مجموع تعاریف مختلف از جریان سیال ذهن در کتب مختلف آمده و همه یک مقصود را می‌رسانند. «این اصطلاح را اولین بار روان‌شناسی به نام ویلیام جیمز در کتاب اصول روان‌شناسی خود به کار برد. وی استعاره‌ی جریان سیال ذهن را پس از رد عبارت سلسله‌ی فکر و رشته‌ی فکر برگزید. از نظر او این هر دو عبارت بیش از حد، گویای مفهوم پیوستگی اندیشه بودند. به اعتقاد او رودخانه یا نهر (stream) استعاراتی هستند که به طبیعی‌ترین نحو این روند را توصیف می‌کنند» (ایدل، ۱۳۷۴: ۷۱).

عده‌ای چون ورنون هال، اعتقاد دارند که ویلیام جیمز یک نظام روان‌شناختی مدرن و قاعده‌بندی شده، ارائه نکرد، ولی برخی از نظریات او به شکل‌گیری جریان اصلی تفکر روان‌شناختی نوین کمک کرد. قصد مورد نظر جیمز از اصطلاح (stream of consciousness) یا به تعبیر خود او «جریان هوشیاری»، «شامل عناصر روانی جدا، متمایز و بی‌ارتباط نیست، بلکه مانند یک جویبار به‌طور مداوم در ارتباط است» (هال، ۱۳۸۳: ۱۳۰).



هانری برگسون فیلسوف فرانسوی، در سال ۱۹۰۱ چنین پیش‌بینی کرد: «کندوکاو ناخودآگاه، کار در زیرزمین ذهن با ابزارهای خاص، وظیفه‌ی اصلی روان‌شناسی در قرن حاضر ماست. هانری برگسون بیش از هر فیلسوف دیگری به ناخودآگاه اعتقاد داشت و اثر قابل ملاحظه‌ای هم بر خردورزان زمان خود از جمله نویسنده‌ای چون مارسل پروست داشت» (صنعتی، ۱۳۸۷: ۴۰).

طبق گفته‌ی محمودی، در ترجمه‌ی اصطلاح (stream of consciousness) به زبان فارسی، تعبیر مختلفی پیشنهاد شده از قبیل: جریان سیال ذهن، سیلان ذهن و سیلان آگاهی. دو تعبیر اول بر سومی ارجحیت دارند. و علت آن: در حقیقت ترجمه‌ی عبارت انگلیسی به زبان فارسی، همان عبارت سیلان آگاهی را به دست می‌دهد، اما وقوف ما به دو مطلب ما را ناگزیر می‌کند که این تعبیر را در ترجمه‌ی اصطلاح جیمز نپذیریم. آگاهی لایه‌های مختلفی دارد که از تحتانی‌ترین سطح – تاریک‌ترین سطح – تا روشن‌ترین سطح – همان لایه‌های گفتاری – را در بر می‌گیرد و بی‌تردید منظور جیمز تمامی این لایه‌های آگاهی بوده است نه فقط سطح گفتاری آن. «دلیل اینکه جیمز مفهوم مورد نظر خود را در مورد آگاهی با استعاره‌ی نهر (stream) تعبیر نمود، این است که به نظر او آگاهی ترکیبی از تجربیات مستمر ماست. همه‌ی چیزهایی را که ما در طول عمر خود تجربه کرده‌ایم یا به تدریج تجربه می‌کنیم، آگاهی ما را شکل می‌دهد. هر اندیشه‌ی ما جزئی از یک آگاهی شخصی و هر لحظه در حال تغییر و دگرگونی است» (۱۳۸۸: ۳۰). بنا به گفته‌ی لئون ایدل، هرگز هیچ اندیشه‌ای نمی‌تواند هنگام بازگشت به ذهن عیناً دارای صورت پیشین خود باشد. تجربه هر لحظه ما را به قالبی نو درمی‌آورد و واکنش ذهنی ما نسبت به هر چیز خاص در واقع نتیجه‌ی تجربه‌ایست که از تمامی دنیا تا آن تاریخ داریم. طبیعی است که با چنین وصفی از حالت سیال و فرار اندیشه، تسخیر و توقف آن برای آزمایش و نمایش عینی حالات ذهنی امری بسیار دشوار و حتی تمام ناشدنی به نظر می‌رسد.

بخشی از دخل و تصرف ذهن در واقعیت بیرونی که در سیلان ذهن اتفاق می‌افتد، «در اعوجاج تصویرهاست بخشی هم در زبان (یا در تصویرها و یا در زبان و یا هر دو). در زبان یعنی به دلیل آشفتگی ذهن، تصویرها و گفته‌ها، تکه تکه و ناقص عرضه می‌شود تصویری پیوسته و یکدست از موضوع به دست نمی‌دهد» (سناپور، ۱۳۸۷: ۱۱۰) که می‌توان گفت داستان‌های مندنی‌پور این‌گونه

است و بیشتر در زبان اتفاق می‌افتد تا تصویرها. نیز به دلیل وجود قالب داستان کوتاه، فرصت زیادی برای تصویرسازی نیست. شیوه‌ی جریان ذهنی در «عوض اینکه واقعیت خارجی را در ضمن تجربیات روزانه توصیف کند، نوسانات ذهنی را وسیله‌ی تجسم واقعیت قرار می‌دهد» (دکتر میترا، ۱۳۵۳: ۱۷۹).

محمودی در کتاب خود، ویژگی‌هایی را برای جریان سیال ذهن برشمرده از جمله: عدم اطلاع‌رسانی مستقیم در روایت سیال ذهن؛ آگاهانه و ارادی نبودن روایت سیال ذهن و در نتیجه، تعقیب نکردن هدف در آن؛ عدم اطلاع و فرض بر وجود مخاطب در روایت آن؛ عدم آشکارگی رابطه‌ی علی و معلولی در روستاخت آن و کشف این روابط پس از تحلیل ذهنیات و احیاناً روان‌کاوی شخصیت‌های داستان؛ اغتشاش در نظم و زبان گفتاری به دلیل روایت ذهنیات از لایه‌ی پیش‌گفتاری؛ عدم انتخاب یا سانسور بر ارائه‌ی ذهنیات شخص؛ عدم نظم مکانی در روایت؛ غیر خطی بودن زمان و ... (۱۳۸۹: ۱۹۴).

عسگری نیز در هدف جریان سیال ذهن می‌گوید: «در چنین آثاری ما قادر می‌شویم با ذهن شخصیت‌ها ارتباط برقرار کنیم و با شرکت در تجربیات ذهنی آن‌ها، به تجربیات ذهنی خود نیز میدان دهیم. ما با کنارهم گذاشتن حوادث و وقایعی که در ذهن شخصیت‌های داستان می‌گذرد می‌توانیم به دریافتی جدید از وقایع داستان برسیم و بدین طریق خلاقانه با متن ادبی روبه‌رو شویم» (۱۳۸۷: ۲۰۰).

از جمله اولین آثار با شیوه‌ی جریان سیال ذهن، *تریستام شندی لارنس استرن و درختان غار بریده شده‌اند* ادوارد دوزاردن هستند. «اهمیت استرن در این نیست که تریسترام شندی، سفر احساساتی شاهکارهایی جاویدانند بلکه در این است که شیوه‌ی بسیار درون‌گرا و مستقیم و آمیخته به امساک در کلام نغز و بدیعش تأثیری قابل ملاحظه بر نویسندگان پس از وی تا به عصر ما داشته است» (بوتور، ۱۳۷۹: ۲۱۷). اما در مورد اهمیت اثر دوزاردن باید گفت، اولین اثری است که در آن آگاهانه از شیوه‌ی تک‌گویی دورونی استفاده شده است. در بین رمان‌های جریان سیال ذهن فارسی می‌توان به *سنگ صبور چوبک*، *سمفونی مردگان معروفی*، *دل دلدادگی مندنی‌پور و شازده احتجاب* گلشیری اشاره کرد. حسن‌لی، رمان کوتاه *شازده احتجاب* را نخستین تجربه‌ی جدی نگارش داستان به شیوه‌ی جریان سیال ذهن در داستان‌نویسی فارسی می‌داند.

در مجموع، «داستان‌های جریان سیال ذهن و این شیوه‌ها و شگردهای جدید، تأکید بیشتری بر این واقعیت می‌گذارند که احساس فردیت خود بر حافظه استوار است و حافظه نیز به نوبه‌ی خود، بر زمان تکیه دارد. این شیوه‌ها و شگردها به ما یادآور می‌شوند که لحظات هوشیاری تشدید شده، همگی از دل لحظات گذشته نشأت می‌گیرند و اینکه ما بدان‌گونه که اکنون هستیم بر آن چیزی تکیه داریم که در گذشته بوده‌ایم؛ باز این که در هنر رمان احساس جاودانگی و نامحدود بودن دقیقاً هنگامی با شدت و حدت تمام به ما القا می‌شود که خود را از گذشت بی‌وقفه‌ی زمان «بر بنیاد ساعت» به خود، آگاه باشیم» (آلوت، ۱۳۶۸: ۳۸۶).

رمان روان‌شناختی به‌جای وصف اعمال خارجی فرد به درونیات او بیشتر توجه نشان داد. از نویسندگان این‌گونه رمان‌ها می‌توان هنری جیمز، جرج مردیت و مارسل پروست را نام برد. آن‌ها وصف درونیات انسان را مانند زبردست‌ترین روان‌شناسان بررسی کردند. بدین ترتیب علاوه بر واقعیات، درونیات و عمق ذهن آدمی نیز که در آثار جیمز جویس و ویرجینیا وولف و ویلیام فاکنر به‌خوبی و ظرافت دیده می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته و حتی حالات روانی بشر نیز به صورت قانون و منطق درآمده است. از این رو، رمان افق روان‌شناسی را وسعت داد و دنیای متلاطم و بی‌شکل و سیال و دگرگونه‌ای را که در عین حال، چیزی است که هست و هم آن چیزی نیست که هست، در قلمرو علم درآورد.

بررسی روان انسان فقط منحصر به دوران حاضر نیست بلکه سابقه‌ای به طول عمر بشر دارد. «این مسأله از زمان سقراط هنگامی که رساله‌ای تحت عنوان «نفس چیست» را نوشته بود، رواج دارد» (شیمرز، ۱۳۷۲: ۱۱). می‌توانیم روان‌کاوی را ناخودآگاه ادبیات بنامیم. سابقه‌ی استفاده از تحلیل روانی در ادبیات دوپست سال اخیر جهان به آثار نویسندگانی چون فلوبر بالزاک استاندال و تولستوی باز می‌گردد که برای نخستین بار به تحلیل‌های گسترده‌ی روان‌شناسان در آثار خود دست زدند. «نویسندگان برخلاف گذشته می‌کوشیدند تا از شرح ظواهر، قیافه و لباس‌ها و آداب و رسوم بکاهند و بیشتر به شرح تلاطم‌ها و کنش و واکنش‌ها روانی کاراکترهای خود در جریان تسلسل و تداوم حوادث داستان (action) بپردازند» (دقیقیان، ۱۳۷۱: ۷۱). سابقه‌ی این تحلیل در ایران به آثار صادق هدایت باز می‌-

گردد. بوف کور و سه قطره خون در این زمینه شاخص‌ترند. در کل رمان‌های روان‌شناختی در ایران به دوره‌های آغازین داستان معاصر فارسی باز می‌گردد. که آثار هدایت در این زمینه ذکر شد. به تدریج این تحلیل‌های روان‌کاوانه‌ی شخصیت‌ها در رمان‌ها و آثار سیال ذهن نیز به دقیق‌ترین شکل خود بروز یافت. در رمان‌های جریان سیال ذهن چون به وجه درونی شخصیت‌ها بیشتر توجه می‌شود و نیز این-که در اصل رمان سیال ذهن، بر پایه‌ی گفتارهای ذهنی شخصیت‌ها شکل می‌گیرد، وجه روان‌شناسانه-ی شخصیت‌ها در آن‌ها قوی است. وقتی شخصیت با خود در ذهنیاتش حرف می‌زند یا چیزی را مرور می‌کند، نوعی قضاوت نیز نسبت به حوادث رخ داده و اعمالی که خودش در جریان این حوادث انجام داده، دارد. او خود و دیگران را در ذهنش قضاوت می‌کند و یا ممکن است نسبت به چیزی احساس گناه داشته باشد که همه‌ی این حالات درونی او اعم از شادی، غم، خشم، آزدگی، تنفر، احساس عذاب وجدان و غیره، در لحن گفتار او کاملاً آشکار می‌گردد.

مخاطب نیز، ضمن این‌که شاهد مرور درونیات شخصیت داستان در ذهنش است، از روی لحن کلام وی، پی به این امر می‌برد که او تا چه حد در گفتار خود صادق است. در حالی‌که اگر همین درونیات و ذهنیات شخصیت داستان بر زبان او و در حال مکالمه با شخصیت دیگر جاری می‌شد، فهم این‌که کلام او تا چه حد مطابق با واقعیت است، بسیار مشکل می‌بود. رمان‌هایی چون *سمفونی مردگان*، *شازده احتجاب* و *دل‌دادگی* از جمله رمان‌های جریان سیال ذهن‌اند که بحث روان‌شناختی شخصیت‌ها نیز در آنان دقیق، پررنگ و قابل بررسی است. در مجموع می‌توان گفت، رمان مدرن، «مخصوصاً به حالات و جریان‌های موجود در خودآگاهی قهرمانان بیشتر توجه می‌کند تا به رویدادهای معمولی در جهان خارجی. چنانچه قرن بیستم را قرن فروید و مارکس فرض کنیم، می‌توانیم بگوییم که رمان مدرن با گذشته همخوانی بیشتری دارد تا با آینده» (هائورن، ۱۳۷۸، ب: ۲۲). بحث درباره‌ی رمان روان‌شناسی و پدیده‌ی جریان سیال ذهن بسیار گسترده است و محدودیت موضوعی این پژوهش، بیش از این مجال برای پرداختن به کلیات در این باره را به نگارنده نمی‌دهد و به همین مقدار بسنده می‌شود.